

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۳۵

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel:0046720077654

۱۸ تیر ۱۳۹۳، ۹ جولای ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

دلیل و زمینه‌های طرح بحث استقلال کردستان عراق مصاحبه جمیله میرکی با محمد آسنگران در تلویزیون ایسکرا



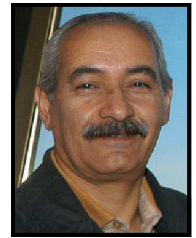
صفحه ۳

دفاع از استقلال کردستان عراق دفاع از مدنیت است

صفحه ۶

عبدال گلپریان

چرا استقلال کردستان عراق؟



عبدال گلپریان

از هر جریان دیگری در مورد استقلال کردستان عراق مطلب نوشته و مصاحبه انجام داده اید. نوشته های شما، حمید تقوایی و محمد آسنگران را با دقت دنبال کرده ام. ضمن اینکه خود را با مواضع شما همسو احساس میکنم اما همچنان سئوالات و ناروشنیهایی که در بحث و گفتگو با اطرافیانم دارم در ذهنم باقیست. برای مثال از آنجا که کمونیستها شعار متحدانه برای صفوف کارگران و کل مردم سر می دهند و مخالف تقسیمات جغرافیایی هستند، چرا در مورد استقلال کردستان عراق تا این حد تاکید دارید؟ با توجه به این، آیا این مغایر با اهداف دراز مدت حزب شما مبنی بر افق انترناسیونالیستی و برداشتن مرزها نیست؟ سوال دوم

یکی از خوانندگان نشریه ایسکرا از سنندج، در رابطه با مسئله استقلال کردستان عراق سئوالاتی را طرح و از من درخواست کرد در صورت لزوم در نشریه ایسکرا به آنها پاسخ دهم. سئوالات این دوست چنین است:

"شما در نشریه ایسکرا و در برنامه های تلویزیون ایسکرا بیشتر

صفحه ۲

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رمضانلی

اجتماعی

اعتراض به کمبود آب

پایه - روستای «نیسانه»:
ساکنین روستای "نیسانه" در اعتراض به کمبود آب آشامیدنی در مقابل بخشدار دست به تحصن اعتراضی زدند. در این تحصن اکثریت معترضین زنان بودند. با گذشت ۲۲ سال از به اصطلاح بازسازی منطقه و بازگشت ساکنین به روستای نیسانه، مردم از آب مصرفی روزانه بی نصیب و در مضیقه هستند. طی ۷۲ ساعت شبانهروز تنها یک ساعت آب شرب از چشمه و با لوله به منازل مسکونی وصل می‌باشد. همچنین حدود ۴۰

هکتار از اراضی کشاورزی دهستان سیروان (نیسانه) با مشکل تأمین آب زراعی روبرو می‌باشد که منبع اصلی درآمد مردم در این روستا محسوب می‌شود.

سرپل ذهاب: شهر ۹۰ هزار نفری سرپل ذهاب در استان کرمانشاه تنها دارای یک جراح نوزاد بوده که قادر به ویزیت بیماران می‌باشد. یکی از خانواده های این شهر با ابراز نارضایتی از نبود پزشک متخصص، می‌گوید: "بیمارستان سرپل ذهاب حتی از ویزیت کودکان امتناع می‌کند."

صفحه ۷



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یدی محمودی

yadi.mahmodi@gmail.com

صفحه ۷

کارگران فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل اداره کار سنندج زدند

صفحه ۸

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت سعادت دوربینی

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ چرا استقلال کردستان ...

من این است که دفاع و تاکید شما بر استقلال کردستان عراق چه تفاوتی با دفاع و تاکید احزاب ناسیونالیست کرد و حتی برخی دولت‌ها مرتجع که اخیراً و بنا به اوضاع پیش آمده به حمایت از آن پرداخته اند دارد؟ و سوم اینکه در صورتیکه دولت‌های منطقه با طرح استقلال کردستان عراق مخالفت کنند راه حل بعدی کدام است؟ ممنون میشوم به این سوالات من پاسخ دهید. با تشکر آزادی از سنجند.

آزادی گرامی ممنون از طرح سوالات، سعی میکنم ابهامات و ناروشنیهای طرح شده در سوالات شما را پاسخ دهم. ابتدا در مورد مغایر بودن مواضع انترناسیونالیستی کمونیست کارگری و تاکید ما بر استقلال کردستان عراق بگویم که مواضع و سیاست ما در قبال طرح استقلال کردستان عراق هیچ گونه تناقض و یا مغایرتی با اهداف و آرمانهای حزب ندارد بلکه برعکس دقیقاً بر اهداف، سیاستها و مواضع ما منطبق است. از نظر تاریخی تاکید و دفاع ما از طرح استقلال کردستان عراق پیشینه دیرپا تری دارد و به ۱۹ سال قبل بر می‌گردد. بنا براین دفاع ما از استقلال کردستان عراق تنها بر بستر تحولات اخیر در عراق نبوده است اما تحولات اخیر ضرورت طرحی را که نزدیک به بیست سال قبل به تفصیل حزب ما بر سر آن حرف زده است و بیشتر از هر زمانی به آن موضوعیت می‌بخشد، مورد تاکید قرار می‌دهد. برای آشنایی به زمینه‌ها و ضرورت طرح استقلال کردستان عراق شما و دیگر علاقمندان به این موضوع را رجوع میدهم به نوشته منصور حکمت تحت عنوان "در دفاع از طرح استقلال کردستان عراق" بتاريخ ژوئن ۱۹۹۵ مندرج در جلد هشتم مجموعه آثار منصور حکمت. فایل این نوشته را برایتان قبلاً فرستاده بودم.

اینجا قصد ندارم به ضرورت‌های طرح مقدماتی این بحث وارد شوم و فرض را بر این می‌گیرم که آنرا مطالعه کرده‌اید. فقط مقدمات این را اشاره کنم که احزاب حاکم بر

کردستان عراق و دیگر جریان‌ها و نیروهای ناسیونالیست کرد هیچگاه با صراحت تمام از استقلال کردستان عراق حرف نزده اند. علت آنهم این است که این نیروها حل پایه ای مسئله ملی و حل مسئله کرد را در راستای اهداف خود نمی‌بینند. آنان همیشه در لابلای زخمهای تاریخی ارتزاق کرده و سیاستهای خود را در چهارچوب توافقات با دولتها و بده و بستانها جستجو کرده اند نه از زاویه منافع مردم و حل بنیادی این معضل. به این خاطر است که تاریخاً با لکننت زبان در مورد آن اظهار نظر کرده اند. الان هم اگر مواضع و نقطه نظرانشان را تعقیب کنید متوجه خواهید شد که هنوز منتظرند ببینند آیا دولتهای غربی و دول مرتجع منطقه بر اساس محاسبات سیاسی و منافع اقتصادی مشترکشان تا چه حد به آن روی خوش نشان می‌دهند. در هر حال با این مقدمه کوتاه برمیگردم به پاسخ به سوالات شما.

از مقطع جنگ خلیج در سال ۹۱ و سرنگونی رژیم بعث صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و بر بستر سیاستهای شکست خورده آمریکا، همپیمانانش و دیگر دولتهای مرتجع منطقه، تا کنون مردم عراق لحظه‌ای روی آرامش بخود ندیده اند. مدینت در عراق رخت بر بسته است. دارو دسته های مذهبی و باندهای کانگستری همچون قارچ سر برآوردند و زندگی را برای مردم به جهنمی بتمام معنا تبدیل کردند. طی این مدت کردستان عراق علیرغم اینکه تحت حاکمیت احزاب ناسیونالیست بعنوان اقلیم کردستان اداره میشد اما از آتش و خونی که باندهای اسلامی در مناطق جنوبی عراق بوجود آورده بودند بدرجات زیادی بری بوده است. احزاب حاکم در کردستان عراق ضمن تلاش برای جلوگیری از سرایت این اوضاع به مناطق کرد نشین که کل عراق را درنوردیده است، طی این سالها سرگرم مال اندوزی، کسب سود و سرمایه، استثمار نیروی کار و رواج باورهای قومی و ناسیونالیستی خود بعنوان نیروهای تازه بدوران رسیده ای بوده اند که چنانکه شاهدش هستیم به موقعیت افسانه ای

امروزشان رسیده اند. می توان گفت که حکومت اقلیم کردستان بنوعی با ثبات تر و بعنوان حکومتی نیمه خودمختار و برای دست یابی به موقعیتی برتر بویژه از نظر اقتصادی و رواج باورهای ناسیونالیستی، از آنچه که در جنوب عراق در جریان بود تا حد زیادی از سرایت آن به کردستان جلوگیری کرده است. بخش اعظم این پدیده داده شده نیز به یمن همان موقعیت تاریخی در جنگ اول خلیج به ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق میسر شد.

از نظر ما بخاطر اینکه مردم کردستان عراق نسبت به مابقی نقاط دیگر در عراق از قتل و کشتار و جنگ مسلحانه باندهای مذهبی تا حدود زیادی بدور بوده اند جای خوشحالی است. همین درجه از امنیت جانی و ثبات نسبی این امکان را فراهم کرده بود که در مقطع انقلابات بنام بهار عربی، مردم کردستان عراق نیز مجال پیدا کردند که برای طرح خواست و مطالبات خود به خیابانها بیایند که با برخورد خشن حکومت اقلیم کردستان مواجه شدند. اگر این فضای نسبتاً امن جانی در کردستان وجود نمی داشت قطعاً مردم کردستان عراق نه تنها نمی توانستند اعتراضات خود علیه حاکمان را مطرح و به میدان بیایند بلکه می بایست برای حفظ جان خود یا آواره می شدند یا روزانه توسط جریان‌های مذهبی و قومی به سرنوشت مردم جنوب گرفتار می شدند.

برای ما دفاع از مدنیت در جامعه می تواند این امکان را فراهم کند که مردم فرصت و مجال اعتراض و مبارزه را داشته باشند. در جامعه ای که شیرازه مدنیت در آن از هم گسیخته شده باشد، مبارزه اجتماعی و طبقاتی کارگر معنای خود را از دست میدهد و به حاشیه رانده می شود. در یک جامعه جنگ زده شهروندان بجای فکر کردن به مبارزه اجتماعی و طبقاتی باید ب فکر پناهگاهی باشند که سقف آن توسط باندها و نیروهای مسلح مذهبی و مرتجع بر سرشان فرو نریزد.

مواضع و سیاستهای ما حول استقلال کردستان عراق و دفاع از جان مردم و تامین امنیت جانی آنان

قبل از هر چیز دفاعی انسانی و منطبق با اصول و اهداف ما است. مورد کردستان عراق یک مورد کنکرت است و قاعده ای برای هر خواست استقلال طلبانه ای نیست. برای احزاب حاکم و جریان‌ها ناسیونالیست بطور عموم و برای حاکمان کردستان عراق مسئله استقلال آرمان و آرزویی ملی گرایانه است که همانطور که پیشتر اشاره کردم فقط با توافقات از بالا و با مسلحت اندیشی های سیاسی و اقتصادی در توافق با دولتهای غربی و منطقه قادر به دست یابی به آن هستند. تازه اگر در بهترین حالت این آرزوی ناسیونالیسم بدین شکل متحقق شود داشتن سرزمین معین، وجود کسانیکه به زبان معینی تکلم می کنند و برجسته کردن هویت‌های قومی و ملی و دیگر فاکتورهایی که برای ناسیونالیسم مقدس شمرده میشود، که در پرتو آن براحتهی بتوانند به استثمار نیروی کار بپردازند و آرزوهای داشتن یک دولت خودی و مستقل را برای تقویت باورهای ملی برآورده سازند را در افق و اهداف خود دارند. برای ما کمونیستها اما استقلال کردستان عراق با هدف حفاظت امنیتی از جان و زندگی مردم در مقابل جهنمی است که بر بستر سیاستهای آمریکا و غرب در مناطق همجوار کردستان عراق در جنوب و غرب فراهم شده است. از سوی دیگر تداوم این امنیت در ظرفیت استقلال کردستان عراق می تواند این امکان را فراهم کند که یکبار برای همیشه حل مسئله کرد به سرانجام خود برسد و مردم کارگر و زحمتکش در آن جغرافیا بتوانند با نرم متعارفی به مبارزات خود برای دست یابی به خواستهای انسانی، اجتماعی و طبقاتی خود بپردازند نه اینکه با آتش سلاحهای نیروها و جریان‌های مذهبی زندگیشان تباہ شود. هیچ آدم منطقی و عاقلی که در قبال زندگی و سرنوشت مردم کردستان عراق احساس مسئولیت کند، قطعاً با استقلال کردستان عراق به مخالفت برنخواهد خواست.

در پاسخ به بخش دوم سؤال شما باید بگویم که تفاوت دفاع ما از استقلال کردستان عراق با آنچه که حکومت اقلیم با اغماض و دولتهای منطقه با تردید و دودلی به آن برخورد می کنند بسیار متفاوت است. تا حدی در پاسخ به سؤال

قبل به آن اشاره کرده ام اما بطور مشخص باید بگویم که نه حکومت اقلیم و نه دولتهای غربی که اکنون طرح استقلال کردستان را بعضاً مورد حمایت قرار می دهند، هیچکدام برای آن دو فاکتور اصلی یعنی جان و زندگی مردم و فضای آرام و متعارف برای رشد و تقویت مبارزه اجتماعی مردم نیست. آنان ثباتی را خواستار هستند که بر بستر آن، سیاستهای تفرقه افکنانه، سودجویانه و استثمارگرانه خود را دنبال کنند. از سوی دیگر رقابت بین دولتها و احزاب دخیل و شریک در این اوضاع ایجاب می کند که روزی سیاست موافقت و روز دیگر به مخالفت با آن بپردازند. هر جا مصلحت سود و سرمایه ایجاب کند آنان به آن سمت سوق پیدا می کنند.

دفاع ناسیونالیسم کرد برای استقلال کردستان عراق و حتی قدم گذاشتن در میدان جنگ و خونریزی، فدا کردن جان انسانها و مدنیت جامعه را بهم ریختن، صرفاً در خدمت داشتن حکومتی مستقل و برای اهدافی نظیر داشتن خاک و مرز، تقویت باورهای ملی و قومی است که علی العموم ناسیونالیسم در قامت دولت بدان دست نیافته است.

اما موضع و سیاست ما کمونیسم کارگری در برخورد به مسئله استقلال کردستان عراق چه در ۱۹ سال قبل و مهمتر از آن امروز که خطرات از هم گسیختگی جان و زندگی مردم از سوی داعش، حکومت مالکی، جمهوری اسلامی و عربستان آن منطقه را بیشتر از هر زمان دیگری تهدید میکنند، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و آنرا به حیاتی ترین خواست مردم تبدیل می کند. برای ما نفس استقلال هیچ موضوعیت و قدوسیتهی ندارد. برای ما تاکید و پافشاری روی استقلال کردستان عراق باید بتواند در خدمت حفظ امنیت، جان و زندگی شهروندان از آتشی باشد که اطراف آنان را فراگرفته است. علاوه بر این، استقلال کردستان عراق می تواند بدور از جنگهای قومی و مذهبی، زمینه های قوی برای رشد مبارزه طبقاتی در آن جغرافیا را تقویت کند.

از صفحه ۱ بحث استقلال کردستان عراق ...

جمیله میرکی: سلامهای گرم من را پذیرا باشید با موضوع استقلال کردستان در خدمت شما و محمد آسنگرن هستم.

درو به شما محمد آسنگرن همانطور که در جریان هستید اخیرا بحث داغی بر سر استقلال کردستان عراق مطرح شده است ستوالم را اینگونه طرح می کنم با توجه به بحثهایی که بر سر این مساله در بین دولت ها و احزاب سیاسی صورت گرفته دلیل و زمینه های طرح بحث استقلال کردستان عراق را چگونه می بینید و به نظر شما این موضوع از کجا سرچشمه گرفته و چرا امروز تا این حد جدی شده است؟

آسنگران: طبعاً این يك بحث و مساله قدیمی است و در بین جریانات و احزاب سیاسی کردستان و دولت های مرکزی همیشه بر سر این مساله بحث و گفتگو جدال و حتی جنگ وجود داشته است. اما همانطور که شما اشاره کردید در هیچ دوره ای مانند امروز رسانه ای و همه گیر نشده است که اکثر دولت ها رسانه ها و احزاب سیاسی شخصیت های بین المللی در مورد آن اظهار نظر و بحث کرده اند و از زوایای مختلف آن را تجزیه و تحلیل میکنند.

ابتدا این را بگویم که بحث استقلال کردستان عراق يك زمینه تاریخی پیچیده و خونین را متأسفانه دارا می باشد. اما از دهه ۹۰ میلادی به بعد که با جنگ اول خلیج و حمله موشکی و بمباران ها و موضوع جنگ آمریکا و متحدینش با صدام شروع شد، مردم کردستان در ابعاد وسیعی آواره شدند و به ناچار رو به کشورهای اطراف عراق مانند ترکیه ایران و سوریه کردند این بحث هم داغتر شد.

همان دوران این بحث يك بار دیگر سر باز کرد که دلایل خاص خود را داشت. زمینه ای که از لحاظ تاریخی بخواهم به آن اشاره کنم این است که با وجود ستم ملی در کردستان عراق و تبدیل شدن موضوع ستم ملی به يك موضوعی به نام مساله کرد که همیشه جریانات سیاسی، مردم کردستان،

دولتهای منطقه و حتا در سطح بین المللی بحث استقلال کردستان مطرح بوده است. اما اکنون با تحولاتی که در عراق در جریان هست این بحث بیش از همیشه جدی تر شده است.

زمینه این مساله يك مشکل و معضل تاریخی به اسم مساله کرد است. اما موضوعی که امروز این مساله را جدی تر کرده برمیگردد به اتفاقات و تحولات اخیر عراق و تصرف بخشی از مناطق عراق توسط داعش که عملاً عراق به سه منطقه تقسیم شده است. شمال عراق تحت حاکمیت حکومت اقلیم کردستان است. مرکز عراق تا نزدیکی بغداد تحت کنترل و حاکمیت داعش و جریانات اسلامی و قبایل و عشایر سنی عراق است. بخش جنوبی هم تحت حاکمیت دولت مرکزی قرار دارد. به این معنا بحران اخیر عراق با يك مساله تاریخی به اسم مساله کرد دست به دست هم داده و شرایط موجود را فراهم کرده که بحث استقلال کردستان عراق مطرح و جدی بشود.

بحث اصلی و اصل ماجرا همین است یعنی زمینه تاریخی که پیشتر اشاره کردم بحث ستم ملی و کشتاری که در طول تاریخ در حق مردم کردستان روا داشته شده و در عین حال اختلاف ناسیونالیزم کرد با ناسیونالیزم عرب يك تخصیصی را به وجود آورده که ما در همان دهه ۹۰ هم عنوان کردیم که همزیستی مردم کردستان با مردم عرب زبان عراق را دچار مشکل کرده چون در دوران صدام عراق به عنوان يك کشور عربی شناخته میشد و در قانون اساسی آمده بود که عراق يك کشور عربی است. بعد از سرنگونی صدام حسین این قانون کنار گذاشته شد.

در سال ۲۰۰۵ قانون اساسی دیگری در عراق به تصویب رسید. اگر چه از سال ۱۹۹۱ به بعد دولت مرکزی نتوانسته بود ستم ملی در کردستان عراق اعمال کند اما از ۲۰۰۵ قانوناً هم راه اعمال ستم ملی بسته شد. با این حال شکاف و تخصیص ملی بین مردم عرب و کرد به دلیل پیشینه سیاسی و جدال

ناسیونالیسم کرد و عرب همچنان به قوت خود پا بر جا است. این تخصیص مردم کردستان با بقیه عراق نه تنها حل نشده بلکه چنان عمیق شده است که همزیستی آنها عملاً ممکن به نظر نمیرسد. همچنانکه قبلاً هم بارها تاکید کرده ایم راه حل رفع ستم ملی قانونی کردن حقوق برابر شهروندان است. اما راه حل مساله ملی فقط با رفرا ند حل خواهد شد.

مساله ملی ممکن است ابتدا با اعمال ستم ملی بوجود بیاید اما حل آن تنها با رفع ستم ملی ممکن نیست. زیرا مربوط به تخصیص بین دو یا چند بخش از شهروندان منتسب به ملیتهای مختلف است. بنابر این شهروندان باید با رای خود تصمیم بگیرند که آیا مستقل میشوند و یا با بقیه مردم آن کشور میخوانند زندگی کنند. کسانی که فکر میکنند در کردستان عراق همچنان ستم ملی اعمال میشود تعریفشان از ستم ملی غلط است. آنها تخصیص ملی ایجاد شد را با ستم ملی اعمال شده و قوانین نابرابر نسبت به شهروندان را یکی میگیرند. اما کسانی که فکر میکنند با رفع ستم ملی مساله ملی هم حل شده است درک درستی از هیچکدام از این مقولات ندارند.

ستم ملی مساله ای حقوقی و قانونی است. با قانونی کردن حقوق برابر برای همه شهروندان ستم ملی موضوعیت ندارد. اما مساله ملی بحث مربوط به ماندن یا نماندن در چهارچوب يك کشور است. حل آن فقط با مراجعه به آرا مردم و رفرا ند ممکن است. اینجا دیگر رفع ستم ملی پاسخ مساله ملی نیست.

اکنون عراق به سه منطقه سیاسی، جغرافیای حکومتی تبدیل شده است. آشکار است که حمله آمریکا و اشغال عراق زمینه تقسیم شدن عراق را به این شکل فراهم کرده است. آمریکا مسئول اول به وجود آمدن این شرایط است و همه اینها زمینه ای ایجاد کرده که اساساً داعش به وجود بیاید حکومت شیعه و سنی به وجود بیاید.

اکنون عملاً فرهنگ سیاسی حاکم اینگونه متحول شده است که هر منطقه ای مربوط به این مذهب یا آن قوم باشد. زیرا حکومت بر

از صفحه ۲ چرا استقلال کردستان ...

دولتها و نیروهایی که مخالف استقلال کردستان عراق هستند، آگاهانه و نا آگاهانه تلاش می کنند آشی را که آمریکا، متحدینش و متعاقب آن دولتهای منطقه نظیر جمهوری اسلامی، عربستان و دیگر دول مرتجع برای مردم عراق پخته اند، شعله های آنرا هم به مردم کردستان عراق سرایت دهند. در پس این مخالفتها اهداف دوره ای و منافع درازمدت این نیروها خوابیده است. آنچه که برایشان موضوعیت ندارد جان و زندگی مردم است که هر روز دارد طعمه این اوضاع تیره و تار میشود.

در مورد اینکه اگر دولتها با استقلال کردستان مخالفت کنند چکار باید کرد باید بگویم مثلی هست که میگوید: آتش آنقدر شور است که آتیش یا آتیشها هم به آن اعتراف می کنند. اوضاع بجا مانده از سیاستهای شکست خورده نظم نوین جهانی در عراق، این واقعیت را در مقابل همین دولتها قرار داده است که علیرغم مخالفتهای تاریخی شان این جام

زهر را ناچارند بنوشند. حتی اگر همه دولتها و حتی حکومت اقلیم کردستان هم با آن مخالفت می ورزیدند علیرغم هر گونه کارشکنی در به ثمر رساندن آن، اما این مردم کردستان هستند که یکدست می توانستند و می

توانند برای دفاع از جان و زندگی خود خواستار برگزاری رفرا ند می در جهت تحقق آن شوند و افکار بین المللی و سازمانهای جهانی را به حمایت از خود ترغیب کنند. به نظر من باید جبهه انسانیت، جبهه دفاع از مدنیت به حمایت از طرح استقلال کردستان عراق برخیزد. هر کسی هر روایت یا انگیزه ای برای استقلال کردستان عراق دارد موضوع ثانوی تری است. مهم اما این است که کردستان عراق با اعلام استقلال می تواند بطور رسمی و جدی مانع از گسترش اوضاع فلاکت باری شود که امروز مردم جنوب و غرب عراق را در خود گرفتار کرده است.

تلاش کردم تنها به سوالات طرح شده ات پاسخ دهم چرا که بحث بر سر این مسئله زوایای مختلفی دارد نظیر حل مسئله کرد و یا مسئله ملی، مسئله ستم ملی، مواضع کنکرت تر احزاب و جریانات ناسیونالیست بویژه در کردستان ایران که امیدوارم در فرصت دیگری به آنها بپردازم.

امیدوارم این توضیحات توانسته باشد پاسخی ولو اندک به سئوالات و ناروشنیهایت داده باشد.

۸ ژوئیه ۲۰۱۴

صفحه ۴

**زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!**

بحث استقلال کردستان عراق...

دچار مشکل کرده است. تنها راه برای جلوگیری از خونریزی بیشتر و برای جلوگیری از جنگ دوباره، برای جلوگیری از ویرانیهای دوباره و بمبارانهای شیمیایی که اینها همه بخشی از تاریخ مردم کردستان می باشد بهترین حالت این است که کردستان عراق تبدیل به یک کشور مستقل بشود، تحت عنوان کشور مردم کردستان نه کشور کرد. زیرا تنها مردم کرد نیستند که در کردستان زندگی میکنند عرب و ترکمن و آسوری و کلدانی و... هم در آنجا زندگی میکنند و اینها خودشان را منتسب به کرد نمی دانند اما آنجا زندگی میکنند و در عین حال اعلام کردیم رسماً این اتفاق باید بر اساس یک سری معیارهای مدرن و انسانی باشد و یک حکومت غیر قومی غیر مذهبی در آنجا حاکمیت داشته باشد و در عین حال با توجه به ارجاع دادن این سؤال اساسی به مردم این خود مردم باشند که به آن رای بدهند و یک فرماندوم برگزار شود فرماندومی که مردم به دو سوال جواب دهند آن هم این است که آیا میخواهند کشور مستقلی از بقیه مناطق عراق داشته باشند یا اینکه می خواهند با حقوق برابر با سایر مردم عراق زندگی کنند.

محمد آسنگران: ببینید تا آنجائی

که به موانع پیش روی استقلال کردستان مربوط میشود همیشه در طول تاریخ زمانی که مردم کردستان چه در عراق چه در قسمت های دیگر خواسته اند بر علیه ستم ملی و بی حقوقی خود اعتراض کنند و بگویند که ما به عنوان شهروندان درجه دوم و درجه چندم محسوب می شویم و خواهان حقوق مساوی با بقیه شهروندان هستیم، این برچسب به آنها زده شده که اینها تجزیه طلب هستند و هرج مرج طلب هستند و... با تانک و توپ و خونریزی جواب این مطالبات داده شده است. خوب اولین مانع خود این دولت ها هستند و بطور مشخص در عراق دولت مرکزی عراق مانع اصلی بود.

جمیله میرگی: یعنی دولتی که

الان حاکم هست؟

محمد آسنگران: ببینید من از

دیدگاه تاریخی به این مساله نگاه می کنم در گذشته نیز صدام حسین مانع این مساله بود امروز هم بعد از اینکه بالاخره این دولت قومی مذهبی را درست کردند یک قانون وجود داشته تحت عنوان ماده ۱۴۰ قانون اساسی در عراق، که قرار بر این بود که آن مناطقی از عراق که مورد ادعای حکومت اقلیم کردستان و دولت مرکزی است در آنجا به ارای مردم مراجعه شود که

آیا میخواهند تحت حاکمیت دولت مرکزی باشند یا تحت حاکمیت حکومت اقلیم کردستان. اکنون تقریباً ۱۰ سال از آن موضوع می گذرد و این ماده قانون اساسی اجرا نشده است.

دلیل اصلی هم این بود که دولت مالکی با توپ و تانک جلو این مساله را گرفت و اجازه نداد این فرزندم اجرا بشود. دلیل اصلی هم نفتی است که در منطقه کرکوک وجود دارد که دولت مرکزی عراق نمی خواهد دستش از نفت کرکوک کوتاه بشود و از این طریق می خواهد حکومت اقلیم کردستان را محدود کند. این کشمکش در ده سال گذشته وجود داشت و هر آن ممکن بود جنگی آغاز بشود.

همچنان که گفتم مانع اصلی

حکومت مرکزی بوده از جمله حکومت مرکزی که دیگر اقلیتها از جمله خود احزاب کردستان هم در این حکومت مرکزی سهم داشتند. ولی علی رغم این شراکت در قدرت، این جدال و کشمکش را با هم داشتند. تا اینکه ظرف چند هفته گذشته و اتفاقاتی که رخ داده امروز عملاً منطقه مورد مناقشه تحت تسلط و حاکمیت دولت اقلیم کردستان قرار گرفته است. اکنون نه تنها ارتش مالکی یا دولت مرکزی از این منطقه عقب نشینی کرده بلکه بخش وسیعی از مناطق سنی نشین را هم به داعش که یک گروه تروریستی است واگذار کرده است.

جمیله میرگی: میخواهم جواب

روشنتری از شما بشنوم. اکنون خاصیت و نفع اجرای طرح استقلال کردستان در عراق برای مردم چیست؟

محمد آسنگران: من فکر می کنم

استقلال کردستان دو بحث و مشکل اصلی را جواب میدهد چیزی که به نفع مردم است اینکه وارد این جنگ قومی مذهبی نشوند. در عین حال تخصصات قومی که موضوعی تاریخی است با استقلال کردستان پاسخ میگیرد.

جمیله میرگی: منظورتان جنگ

داعش و شیعیان در عراق است؟

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت سعادت دوربینی

های این عزیزان و برای ارج نهادن به اهداف مبارزاتی شان، بعنوان شخصیتی فعال و پرشور ظاهر میشد و مورد احترام مردم سنج بود.

کمیتته کردستان حزب کمونیست کارگری درگذشت سعادت دوربینی را به خانواده، بستگان و مردم سنج تسلیت میگیرد.

کمیتته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ تیر ۹۳
۶ ژوئیه ۲۰۱۴

متأسفانه اطلاع یافتیم که روز جمعه ۱۳ تیرماه خانم سعادت دوربینی مادر رفیق جانباخته هوشنگ زندی (قادر) در شهر سنج درگذشت. سعادت دوربینی مادری فداکار و نمونه بود. در طول دوران فعالیتهای سیاسی رفیق هوشنگ، او نیز در صف مبارزه آزادیخواهان مردم کردستان سهیم بود. با خانواده جانباختگان و مردم سنج ارتباط دائمی داشت. در جمعها و مناسبت های مختلف و برای گرامیداشت یاد عزیزان از دست رفته همگام و همدل با خانواده

شد به یک موضوع در کردستان عراق و اکثریت مردم از آن استقبال کردند. حتا احزاب حاکم ناچار شدند به عنوان یک مساله حاشیه ای نظر مردم را جویا شوند و وقتی نتیجه مشخص شد مردم با رای خود نشان داده بودند که بیش از ۹۸ درصد موافق استقلال کردستان هستند.

حدود یک قرن است که این مردم در زیر فشار و توپ و تانک و حمله دولتهای مرکزی کشته میدهند، آواره میشوند و دیگر نمی خواهند در این وضعیت زندگی کنند. علاوه بر این مساله تاریخی امروز مردم کردستان هم دولت مرکزی و هم داعش را در مقابل خود دارند. اما اینها اکنون در شرایطی نیستند که بتوانند در مقابل خواست استقلال کردستان مقاومت کنند. چون هر دوی آنها در موقعیت ضعیفی هستند و هیچکدام قدرت و توانایی صدام حسین را ندارند.

حتی مالکی قدرت یک ماه پیش را هم ندارد. از آن طرف سوریه هم یک کشور درهم ریخته است که خود سوریه هم وضعیت بهتری از عراق ندارد و هر قسمتش تحت حاکمیت یک گروه قرار دارد. ترکیه اما به دلیل منفعت اقتصادی خودش و منفعت سیاسی که به دست میآورد با بارزانی و دولت اقلیم کردستان هم پیمان شده است و با استقلال

از صفحه ۴ بحث استقلال کردستان عراق...

کردستان مخالفت جدی ندارد.

همیشه این دولت‌ها بوده است

این کشور میتواند کردستان سوریه را هم در جهت سیاستهای ترکیه پیش ببرد و جنگ در ترکیه به پایان برسد و صلح و سازشی صورت گیرد. از جنبه اقتصادی نیز اکنون که حکومت اقلیم کردستان نفت کرکوک و کردستان را در اختیار دارد و برای ترکیه مهم است که از طریق یک دولت کوچکی مانند کردستان نفت به آنجا صادر شود. در عین حال ترکیه فکر می‌کند میتواند خواسته‌ها و سیاست مورد نظرش را به حکومت کردستان عراق القا کند. این مولفه‌ها باعث شده است که مخالفت آنجانی با مساله استقلال کردستان نداشته باشند. علاوه بر این اخیراً دولتهایی مانند آمریکا اروپا هم در این باره اظهار نظر کرده‌اند و مخالفت جدی با مساله استقلال کردستان نکرده‌اند.

جمیله میرگی: اتفاقاً نه تنها مخالفتی نکرده‌اند بلکه اسرائیل موافقت خود را با مساله استقلال کردستان اعلام داشته است می‌خواستم نظر شما را در این رابطه بپرسم؟

محمد آسگران: ببینید اسرائیل و آمریکا دنبال یک متحد قابل اطمینان در آن منطقه می‌باشند که به طور مشخص میتواند در منطقه کردنشین این را پیدا کنند که در آنجا یک پایگاهی داشته باشند که به نظر من این متحد برای آنها بارزانی می‌باشد. اینطور نیست که همه احزاب کردستان به این صورت می‌باشند. ببینید موساد از اواسط ده ۹۰ میلادی در کردستان عراق حضور داشته است. همه می‌گفتند که فلان جا مقر موساد هست که در منطقه تحت کنترل بارزانی قرار داشت. اسرائیل از موضع منافع خودش این صحبت را می‌کند و آمریکا هم بی‌خبر نیست این چیزی را که اسرائیل بیان کرده بدون توافق آمریکا یا بخشی از حاکمان آمریکا نمی‌گوید. بنابراین اروپا هم مخالفتی ندارد البته همیشه سعی می‌کنند که بر اتحاد عراق تأکید داشته باشند چون این سیاست

اما با استقلال کردستان هم مخالفت جدی نکرده‌اند به جز جمهوری اسلامی که احساس خطر می‌کند. چون می‌داند که اگر کردستان عراق به یک کشور مستقل تبدیل شود دیگر تحت نفوذ جمهوری اسلامی نخواهد بود. مالکی هم در مقابل دیگر رقبایش بیش از پیش تضعیف میشود و این به ضرر جمهوری اسلامی است. یک کردستان مستقل اگر حاکماتش همین احزاب باشند بیشتر تحت نفوذ ترکیه و غرب خواهد بود و این به ضرر جمهوری اسلامی است. مخصوصاً در این دوره جمهوری اسلامی سعی می‌کند با کشاندن پای کردستان به جنگ با داعش، مالکی را تقویت کند و اگر کردستان مستقل نشود و استقلال خود را اعلام نکند از این وضعیت هرج مرج در عراق متضرر خواهد شد. از دیدگاه دیگر باز هم به نفع مردم است به این صورت که هر بخشی از مردم عراق را بشود از این جنگ قومی و مذهبی جدا و دور نگاه داشت که خونریزی و ویرانی کمتر بشود خوب معلوم است که به نفع مردم است.

می‌دانیم که ناسیونالیستهای کرد از دید ملی‌گرایی به این مساله نگاه میکنند. امروز این شرایط فراهم شده برای ناسیونالیستهای کرد هم خوشحال کننده است و هم نگران کننده به همین دلیل یک صف متحد را نمیتوانند تشکیل بدهند. اما بالاخره واقعیت آن جامعه امروز به این صورت است. در این میان نباید مردم تحت تأثیر اینکه این شرایط خوشایند چه کسی هست یا نیست تاوانی پس بدهند.

مردم کردستان گناهی نکرده‌اند عامل این جنگ نبوده‌اند. مردم کردستان همیشه قربانیان بی دفاع جنگ حاکمان و ناسیونالیستها بوده‌اند. دولت‌ها همیشه بمب و توپ بر سرشان ریخته‌اند و بمباران شیمیایی شان کرده‌اند. به این معنا به نظر من اکنون مناسب‌ترین شرایط برای عملی کردن فرآیند است. موانعی که وجود دارد برای استقلال کردستان امروز از همیشه کم‌رنگتر است. به

این دلیل که ما وضعیت سوریه را می‌بینیم دولت مرکزی عراق را می‌بینیم متحد شدن ترکیه با حکومت اقلیم کردستان عراق را می‌بینیم. می‌ماند جمهوری اسلامی که همیشه مانع بوده است.

اگر مردم کردستان در یک فرآیند به پای صندوق رای رفتند و رای به جدایی ندادند که در همان شرایط فعلی مشغول زندگی هستند. اما اگر رای به استقلال دادند باید مساله به رسمیت شناختن کردستان را به دولت‌ها تحمیل کرد. هیچ کشوری نمی‌گوید که شما بروید مستقل شوید ما از شما حمایت می‌کنیم. اسرائیل در این میان استثنا است، بخاطر اینکه اسرائیل فکر می‌کند از این طریق یک دوست و متحدی در آن منطقه پیدا می‌کند.

اما بقیه کشورها مگر اینکه به آنها تحمیل بشود در غیر اینصورت نمی‌آیند کردستان را از قبل به رسمیت بشناسند. چون امروز سه منطقه سیاسی وجود دارد. کردستان مستقل عملاً وجود دارد، فقط باید رسمیت بین‌المللی به آن داده شود. اگر چهارچوب قانونی با انجام یک فرآیند عملی شود میتواند معاملات بین‌المللی را انجام دهد و روابط خود را با جهان داشته باشد. مرز مشخص خود را داشته باشد. آن هنگام کسی نمیتواند به راحتی به آن تعرض کند. اما امروز تحت عنوان اینکه کردستان بخشی از عراق است جمهوری اسلامی میتواند اجازه از مالکی بگیرد و به آنجا لشکر کشی بکند. در شرایط اعلام استقلال حمله به آن به این راحتی نیست.

به نظر جریان‌های سیاسی چپ و احزاب کمونیست کارگری در دفاع از مردم کردستان عراق برای اینکه وارد این جنگ فرقه‌ای و مذهبی در عراق نشود یک راه حل اصلی و تاکتیکی اعلام استقلال کردستان باید باشد. از طریق فشار بر احزاب حاکم باید راه استقلال کردستان را عملی کرد. چون اکنون بارزانی در یک حالت معامله‌گرانه بحث استقلال کردستان را مطرح کرده است. میخواهد ببیند عکس‌العمل دولت‌ها و آمریکا چیست. ترکیه چه می‌گوید و... اما برای مردم

کردستان مساله استقلال کردستان بحث این است که آیا می‌خواهند بخشی از جنگ مذهبی کنونی بشوند یا نه. آیا منتظر میمانند که دوباره به آنها حمله بشود، کشتار شوند، آواره شوند یا اینکه به عنوان شهروندانی که برای تعیین سرنوشت خود تصمیم می‌گیرند میخواهند در امنیت و آرامش زندگی کنند. امروز اگر شما به دیگر مناطق عراق نگاه کنید می‌بینید در کردستان امنیت بیشتری وجود دارد و اکنون کلید تضمین و دوام این امنیت اعلام استقلال کردستان می‌باشد.

جمیله میرگی: سوالی که اینجا مطرح میشود این است همانطور که اشاره کردید مساله مردم کردستان با حکومت مرکزی یک مساله تاریخی است و تا زگی ندارد اما در گذشته دولتهای غربی مانند آمریکا اسرائیل و اروپا با مساله استقلال کردستان موافق نبودند به نظر شما چه چیزی باعث شده که امروز با این مساله موافق باشند؟

محمد آسگران: ببینید اسرائیل گفته در صورت اعلام استقلال کردستان، آن را به رسمیت میشناسد. اما آمریکا اینرا نگفته است. در یک حالت بینا بینی هنوز بر تمامیت ارضی عراق پا فشاری میکند. چون اینها احزاب سیاسی کردستان را می‌شناسند. من بحث با مردم کردستان است نه احزاب سیاسی کردستان. زیرا ممکن است احزاب سیاسی حاکم بر کردستان یک چیزی را اعلام کنند اما به چیز دیگری رضایت بدهند. این مردم کردستان هستند که باید این احزاب را تحت فشار بگذارند که به این مساله تن بدهند.

ببینید نخست وزیر قبلی انگلیس (تونی بلر) در خاطراتش به یک مساله ای اشاره کرده که یک روز برای مذاکره با احزاب سیاسی کردستان عراق رفته بودیم و از آنها پرسیدیم که درخواست و مطالبه شما چه چیزی هست چون در آن زمان می‌خواستند دولت مرکزی عراق را تشکیل دهند و می‌خواستند بدانند که مطالبه این احزاب چه چیزی است. نخست وزیر انگلیس می‌گوید که ما انتظارمان این بود که نفت کرکوک یا استقلال کردستان و

خواست های از این دست داشته باشند. اما زمانیکه به پای میز مذاکره آمدند نهایتاً متوجه شدیم که توقع این احزاب یک رقم چند میلیون دلاری بود که ما بیشتر از انتظار آنها پرداخت کردیم.

می‌خواهم این را بگویم که اگر احزاب سیاسی فعلی در کردستان عراق باشند ممکن است به هر چیزی رضایت بدهند ممکن است به هر سازشی تن بدهند به هر خفتی هم تن بدهند اما چیزی که مهم است این مردم کردستان هستند که نباید این فضا را از دست بدهند. مردم کردستان نباید اجازه بدهند که این احزاب با این دولت یا آن دولت وارد معامله‌ای بشوند که به ضرر مردم باشد. بحث من این است که باید به وسیله یک فرآیند این استقلال به وجود بیاید بدون فرآیند این استقلال رسمیت پیدا نمیکند و مردم خواستار تشکیل دولت مردمی در کردستان باشند نه دولت کردی در کردستان. این بسیار مهم است یک دولت غیر قومی و غیرمذهبی در کردستان تشکیل بشود.

در این شرایط است که شهروندان کردستان چه سنی شیعه یهودی و مسیحی و... میتوانند با حقوق برابر زندگی کنند. اگر حکومت و دولت کردی باشد خود به خود افراد غیر کرد را به حساب نمی‌آورید و آن‌ها را حذف کرده‌اید. اما قانون و دولت باید شهروندان و حقوق شهروندی را مبنای خود قرار بدهد.

جمیله میرگی: به عنوان سوال آخر بارزانی اظهار داشته که فدرالیسم شکست خورده می‌خواستم نظر شما را در این بار بپرسم؟

محمد آسگران: ببینید استثنائاً من این حرف بارزانی را تأیید می‌کنم در عمل فدرالیسم شکست خورده و این چیزی که بارزانی اعلام کرد قبل از حمله داعش بود ۳ یا ۴ ماه پیش بود اوایل فکر میکردند سیستم فدرالی طوری است که خواسته‌ها و مطالباتشان را جواب میدهد عملاً اما دیدند که اینطور نیست. تعادل قوا و نیروی اقتصادی و نظامی تعیین می‌کند که فدرالیسم

از صفحه ۵ بحث استقلال کردستان عراق...

کارساز است یا نه. تا کجا قابل اجرا هست یا نیست. بحث این است که اکنون این تعادل قوا بهم خورده و یک نتیجه فدرالیسم دامن زدن به همین تخصصات قومی است که میبینیم. باید فدرالیسم را کنار گذاشت. اعلام استقلال کشور کردستان به عنوان کشور مستقل کردستان برای مردمی که در آنجا زندگی میکنند امروز این راه حل است و به نفع مردم است و اگر این جمعیت از مردم را از جنگ قومی، مذهبی عراق دور نگاه داشت شاید دامنه آن جنگ هم کمتر بشود و قابل کنترل تر بشود.

هرچند میلیون از مردم عراق بتوانند از آتش جنگ آخوندها و فرقه های مذهبی دوری کنند به نفع مردم است. استقلال کردستان اکنون از هر وقتی عملی تر و امکان پذیرتر و حتی لازم تر شده است. چرا که موانع به نسبت ۲۰ سال پیش به مراتب کمتر است.

کردستان مرز مشخص شده و شکل حکومت به خودش گرفته است. نیروهای مشخص است. بویژه میتوان از این طریق از جنگ مذهبی دوری کند. در عین حال از نظر امکانات زیستی و زندگی هم به

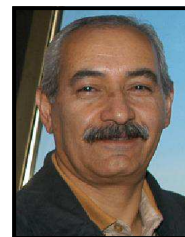
نسبت بقیه مناطق عراق امن تر و قابل تحملتر است. کسی که اینها را نبیند به نظر من از واقعیت بدور است و مهمتر اینکه این مستقل شدن مانع از درگیر شدن این منطقه امن در آتش جنگی است که در دیگر مناطق عراق وجود دارد.

اگر جنگ دامن این منطقه را نیز بگیرد این منطقه ای که امروز از امنیت نسبی برخوردار است ممکن است پایگاه گروه های تروریستی سنی کرد بشود که اینک قبلا نیز وجود داشتند در کردستان همین جریانات سنی که اکنون در پارلمان کردستان هستند همینها میتوانند داعش بعدی در کردستان باشند اگر استقلال کردستان رخ ندهد.

من فکر می کنم آتش جنگی که در عراق اگر شعله ورت شود میتواند به کردستان ایران بلوچستان و اهواز هم کشیده شود و مردم ایران باید هوشیار باشند. تا آنجائی که به کردستان ایران برمیگردد ما این پیشنهاد را نداریم و هیچ جریانی هم بحث استقلال را مطرح نکرده است. بخاطر اینکه اختلافات قومی ملی تاریخی بین مردم کرد زبان در ایران با مردم غیر کرد در مناطق دیگر ایران به این شکل نیست که این اختلافات غیر قابل حل باشد. فرهنگها و قومیت های مختلف در ایران در هم آمیخته تر هستند. حتی قانون اساسی در ایران به این شکل نبوده که در آن گفته شود ایران

کشوری فارس زبان یا ترک زبان است. هم در زمان سلطنت هم در این دوره قانون اساسی بر اساس جدایی ملیتها از هم رسمیت پیدا نکرده است.

این موضوع نتیجه اش این بوده که این اختلافات قومی در ایران تا این حد برجسته نشده است که در عراق وجود داشته و دارد. حتی در ترکیه هم تا این حد برجسته نیست منتها ما این پیشنهاد را در مورد کردستان عراق داریم و به نظرم به نفع مردم کردستان عراق است و هر نیرویی بخواید امنیت و آینده کردستان عراق را پایدار و مستحکم کند راهش این است که پیگیر مساله استقلال کردستان عراق باشد.

دفاع از استقلال کردستان عراق
دفاع از مدنیت است

عبدل گلپریان

به هر دلیلی انجام نگیرد چه اتفاقاتی در اوضاع و تحولات روزها و ماههای آینده روی خواهند داد ؟ از آنجا که حکومت اقلیم کردستان دو فاکتور هم حکومت است و هم حکومت نیست و فعلا رسمیت قانونی و بین المللی پیدا نکرده است، در صورت بالاگرفتن جنگ باندهای مختلف اسلامی مورد حمایت ایران، عربستان و دیگر دول منطقه، آتش ترور، بمب گذاری و انواع جنایات مختلف به این منطقه نیز سرایت خواهد کرد. در حال حاضر بدرجائی در مناطق تعیین شده در مرزهای غیر رسمی بین داعش و حکومت اقلیم، بخشا این اتفاقات و درگیریها در جریان است. تفاوت در این است که هنوز بداخل شهرهایی که تحت کنترل حکومت اقلیم است فعلا سرایت نکرده است.

کسان یا جریاناتی بنام چپ می پندارند که در صورت کسب استقلال کردستان عراق ناسیونالیسم کرد پر و بال میگیرد و به همین دلیل می گویند نباید از آن دفاع کرد."

این استدلال چپی است که دارای سننهای ریشه دار قدیمی است و در بهترین حالت تعهد و وفاداری ایدئولوژیک و سنتی خود را به گونه ای منجمد و کلیشه ای ابراز میدارد. این درک با دنیای سیاست و فعل و انفعالات اجتماعی که باید بدان پاسخ میرم روز و فوری داده شود کاملا بیگانه است و دائما در لابلای کتابها بدنبال تنوری هایی که مختص به زمان و مکان معینی در گذشته است میگردد.

دو حالت فرضی را باید دم دست گذاشت و پاسخ روشنی که منافع مردم را نمایندگی میکند بدان داد. فرض کنیم استقلال کردستان عراق

اما در صورت استقلال کردستان عراق حال تحت حاکمیت هر نیروی سیاسی معینی که باشد، مادام که مدنیت جامعه حفظ و شهروندان بتوانند بدور از کشتار جریانات مذهبی و باندهای کانگستر حداقل امنیت جانی شان تامین و بتوانند بطور نرمال به زندگی خود ادامه دهند، نه تنها جان و زندگیشان در امان خواهد بود بلکه در چنین شرایط متعارفی قادر خواهند بود صدای اعتراض خود را برای تامین رفاه، آزادی، برابری و مبارزه برای خواسته های برحقشان را بلند کنند.

می خواهم به این چپ مریخی بگویم که فعلا اتحاد طبقه کارگر، مبارزه و غیره اش علیه ناسیونالیستهای حاکم پیش کش، لطفا بخود آبیید و از بقا و جان انسانها، زن و مرد کودک و پیرو جوان در مقابل جانوران اسلامی و باندهای آدمکش حفاظت کنید. این

تلاش از مسیر استقلال کردستان عراق میسر است.

در جامعه ای که در آن شیرازه مدنیت توسط گروه های ترور و بمبگذار از هم گسیخته شود، پز و ادعای دم زدن از مبارزه طبقاتی تعارفی بیش نیست و این اظهار نظرها فقط بدرجائی جدلهای بی خاصیت گروه های حاشیه ای میخورد. باید مسئولانه اوضاع را دید و در این شرایط خونین در غرب و جنوب کردستان عراق مسئولانه راهکارهای دفاع از جان و زندگی و امنیت مردم را نشان داد.

استقلال در خود هیچ گونه قدوسیستی ندارد. بی گمان ناسیونالیسم کرد تلاش خواهد کرد بر بستر کسب استقلال به رواج باورهای ملی و قومی دست بزنند و شرایط را برای استثمار کارگر و زحمتکش کرد بیش از پیش فراهم سازد. چنین رخدادی امر تازه ای

نیست. احزاب حاکم در کردستان عراق و در قامت نیمه دولتی و غیر رسمی آن، بیش از بیست سال است دارند همین کار را می کنند.

اکنون بجز کارگران بومی نزدیک به سی تا چهل هزار کارگر مهاجر در کردستان عراق دارند کار و زندگی می کنند. آیا در یک شرایط متعارف و بدور از ترور و بمب گذاری بهتر می توان دست مردم، کارگر بومی و مهاجر را برای تحقق خواست و مطالباتش متحدانه و متشکل در دست هم گذاشت یا در شرایط و اوضاع فعلی در موصل، بصره، فلوجه، رمادیه و دیگر کانونهای جنگی بین دستجات اسلامی؟

عبدل گلپریان

۸ ژوئیه ۲۰۱۴

کارگران میهن ندارند. ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم کارگری در تضاد آشکار و مطلق با هم قرار دارند، غیر قابل تلفیق و سازش با یکدیگرند. ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوازی است که مانع خودآگاهی طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر است .

کمونیسم برای از میان بردن مرزهای ملی و لغو هویت های ملی تلاش میکند. جامعه کمونیستی جامعه ای فاقد تفکیک ملی و کشوری انسانهاست .

ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیتها، یکی از جلوه ها و اشکال مهم نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی است و باید برچیده شود. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها مستقل از تعلقات ملی یک هدف مستقیم جنبش کمونیستی طبقه کارگر است .

رویدادهای هفته...

حکومت اسلامی از احزاب ناسیونالیست می خواهد که رسماً با داعش وارد جنگ شوند!

روز یکشنبه ششم جولای هیئت از حکومت اسلامی به سرپرستی حسن دانای فر وارد شهر سلیمانیه شدند و با نوشیروان مصطفی رهبر گوران و دفتر سیاسی اتحادیه میهنی ملاقات کردند. بنا بر خبرهای منتشر شده، هیئت ایرانی رسماً از اتحادیه میهنی و رهبر جنبش گوران خواسته اند که وارد جنگ با گروه داعش شوند و حکومت مالکی را تنها نگذارند، همچنین دانای فر در باره اختلافات اتحادیه میهنی و جنبش گوران اظهار نظر کرده و از آنها خواسته که

بر سر اداره شهر سلیمانیه به توافق برسند و خواهان واگذاری پست شهرداری شهر سلیمانیه به اتحادیه میهنی شده تا اتحادیه میهنی بتواند در رقابت با حزب دمکرات به رهبری بارزانی اداره شهر مهمی مثل سلیمانیه را در دست داشته باشد. حکومت جنایتکار اسلامی در طول ۲۳ سال گذشته و بخصوص بعد از سقوط حکومت بعث عراق در بسیاری از مناطق عراق و از جمله مناطق تحت کنترل احزاب ناسیونالیست کرد سعی کرده نفوذ کند و از اختلافات احزاب و جریانات به نفع سیاستهای ارتجاعی و نفوذ جنایتکارانه خود استفاده کند و قطعاً این بار هم مثل همیشه رژیم

اسلامی در تلاش برای جنگ با داعش و دخالت در عراق و کردستان تنها و تنها به دنبال سیاستهای جنایتکارانه خود می باشد و این احزاب ناسیونالیست هستند که ظرفیت ارتجاعیشان به آنها اجازه می دهد که هر یک با یکی از دولت‌های مرتجع منطقه دست به ساخت و پاخت بزنند و در نهایت این مردم هستند که از دخالت و زد و بندهای ارتجاعی این احزاب و دولت‌ها لطمه می بینند.

اعتراض مردم علیه کمبود برق، بنزین و ندادن به موقع دستمزدها در چندین منطقه اقلیم کردستان!

طبق گزارشات منتشر شده، مردم چندین منطقه در اقلیم

کردستان در اعتراض به کمبود برق، بنزین و ندادن دستمزدها دست به اعتراضاتی زده اند. یکی از سازماندهندگان این اعتراضات شورش امین به روزنامه هاوالاتی گفته که، بحران کنونی نتیجه سیاستهای احزاب حاکم از جمله اتحادیه میهنی و حزب دمکرات می باشد، او گفته هم اکنون احزاب اپوزیسیونی وجود ندارند و در نتیجه مردم باید نقش خود را بعنوان اپوزیسیون ایفا کنند و این تنها شیوه مردم برای دخالت و اعتراض به بحران و کمبودها می باشد.

بحران بنزین در مناطق اقلیم کردستان همچنان ادامه دارد!

بنا بر خبرهای منتشر شده،

بحران بنزین در مناطق اقلیم کردستان به شدت بالا گرفته و بسیاری از مردم دسترسی به کوپنی کردن بنزین را ندارند و بر همین اساس اعتراضاتی علیه وضع موجود و کمبود بنزین به راه افتاده و از جمله روز هفتم جولای جاده سلیمانیه کرکوک برای مدتی در اعتراض به کمبود بنزین توسط رانندگان بین این شهرها بسته شد. لازم به ذکر است که حمل و نقل و قاچاق بنزین و نفت از طریق اقلیم کردستان و نیروهای احزاب حاکم به بخشی جدی از دزدی و چپاول این احزاب تبدیل شده و مردم به حق کمبود امروز بنزین را هم متوجه بی کفایتی احزاب حاکم می دانند.

از صفحه ۱

نگاه هفته

مه‌باد ۱۳ تیر: حامد کرباسی یکی از اعضای هیأت کوهنوردی شهرستان مه‌باد در پی بارندگی و سیل در مسیر بازگشت به مه‌باد جان خود را از دست داد.

بوکان: حسین شعبانی شهروند بوکانی که ۳ تیرماه از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده بود، به صورت موقت از زندان آزاد گردید.

مه‌باد: سیوان حسین‌پور، عکاس و کاریکاتوریست، دوم تیرماه بازداشت و پس از ۱۰ روز نگهداری در اداره اطلاعات شهر بوکان با تودیع وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد گردید.

سردشت ۴ تیر: حسین عباس‌زاده ۱۹ ساله، دانشجوی دانشگاه مه‌باد ساکن شهر سردشت در رودخانه "دراو" سردشت (پل آهنی جاده ربط - سردشت) غرق و جان خود را از دست داد.

کرمانشاه ۳ تیر: فردین ساکن کرمانشاه در رودخانه "تجویران" کرمانشاه غرق شد.

زندان و دستگیری

سندج: میعاد احمدی دانشجوی رشته معماری به ۵ سال حبس تعلیقی و ۵ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.

بوکان: وضعیت نا مشخص زندانی سیاسی افسانه بایزیدی.

افسانه بایزیدی ۲۸ ساله ۵ تیرماه از سوی نیروهای اطلاعاتی در منزل شخصی در شهر بوکان بازداشت شده و همچنان در بازداشت نهادهای امنیتی بسر می برد. ماموران وزارت اطلاعات به پدر افسانه بایزیدی اعلام کردند، دختر شما به قرارگاه سپاه پاسداران در خارج از شهر بوکان واقع در جاده شاهین دژ انتقال یافته است.

وضعیت جسمانی افشین سهراب زاده در زندان میناب نامناسب است. افشین سهراب زاده، اهل شهر کرمانشاه هنگام بازداشت به دلیل ضرب و شتم دچار خونریزی و شکستگی استخوان شده بود. افشین سال ۸۸ در شهر کامیاران از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و سپس از سوی دادگاه "انقلاب" شهر سندج به اتهام همکاری با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران به ۲۵ سال زندان و تبعید به زندان میناب محکوم شد. این زندانی ۲۴ ساله، تیرماه ۹۱ به دلیل وضعیت نامناسب زندان و همچنین وضعیت بد جسمانی اقدام به خودکشی کرده بود.

آتش سوزی

سردشت ۱۶ تیر: جنگلهای روستاهای "دشته"، "پاراستان"، "پاش‌برد" و "نواوه" در بخش ربط از توابع شهر سردشت به دلیل گلوله

باران نیروهای سپاه طعمه حریق گردیدند.

مریوان ۶ تیر: مراتع جنگلی میان روستاهای "لنج‌آباد" و "گوزیه کوره" از توابع شهرستان مریوان دچار آتش‌سوزی شدند و این آتش‌سوزی توسط ساکنین این دو روستا کنترل گردیده است.

کرمانشاه: ۱۰ هکتار چراگاه پشت شهر ژاندارمری کرمانشاه در آتش سوخت. این آتش‌سوزی باعث نابودی ۸ تا ۱۰ هکتار از این چراگاه شده و این آتش‌سوزی توسط افراد ناشناس روی داده است.

کارگری

بعد از ۱۴ سال هنوز واگذاری مسکن کارگران اتحادیه مکانیک های سندج بلاتکلیف است

کارگران اتحادیه مکانیک‌های سندج بعد از ۱۴ سال نام نویسی جهت مسکن هنوز بلاتکلیف هستند. طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران مکانیک عضو این اتحادیه که تعداد آنان بیش از ۷۵۰ نفر میباشند از سال ۷۹ - ۸۰ مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان جهت ثبت نام واگذاری مسکن به تعاونی مسکن خود پول واریز نمودند و در طی این مدت بعد از تجمعات و اعتصابات مکرر بالاخره زمین‌های کارگران را به آنها نشان دادند و عملیات صاف کردن زمین‌ها شروع شده بود ولی جدیداً از طرف مسکن

و شهر سازی خبر رسیده که این زمینها متعلق به فضای سبز میباشد و قابل واگذاری به کارگران نمیباشد. به همین دلیل کارگران عصبانی و خشمگین، بعد از ۱۴ سال بلاتکلیفی، ساعت ۹ تا ۱۱ صبح روز پنج‌شنبه ۱۲ تیر ۹۳ در اتحادیه مکانیک‌های شهرک صنعتی سندج با دعوت از آقای علوی نماینده شهر سندج دیواندره و کامیابان در مجلس شورای اسلامی، خواهان رسیدگی به این امر شدند آقای علوی نیز بعد از شنیدن درد و رنج این کارگران قول داد تا با دیدار وزیر مسکن و شهر سازی این مسئله را در میان گذارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اطلاعیه شماره ۱۷ کمیته دفاع از کارگران دستگیر شده مه‌باد - جان رضا شهابی در خطر است

کارگران، مردم آزاده و تشکل های کارگری؛ رضا شهابی یکی از کارگران معترضی است که به جرم دفاع از حقوق کارگران و پایمال شدن حقوق آنان به مبارزه برخاسته است. این کارگر مبارز به اتهام دفاع از کارگران و عضویت در تشکل کارگری (سندیکای شرکت واحد تهران و خومه) در تاریخ ۲۲/ خرداد/ ۸۹ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و مدت زیادی در سلول های انفرادی تحت شدیدترین بازجویی بود.

رضا شهابی بعد از سپری کردن آیام

بلاتکلیفی در یک دادگاه، به ۶ سال زندان محکوم شد و از آن تاریخ در حال سپری کردن احکام ناعادلانه خود است. اما با توجه به اینکه رضا شهابی در مقابل این احکام مرعوب نشد و مرتباً در داخل زندان با پیام و یا اطلاعیه دخیل در جنبش کارگری ایران بوده و هست، مسئولان امنیتی کشور و زندانبانان هر روز برای این کارگر مبارز مشکلاتی ایجاد می کنند. رضا شهابی در طول زندانی شدن خود چند بار به اعتراض به وضعیت موجود در داخل زندان و وضعیت جسمی شخص خود اقدام به اعتصاب غذا نموده است.

همچنان که همه اطلاع دارند، نیروهای امنیتی در بهار امسال به بند ۳۵۰ زندان اوین حمله کردند و تعداد زیادی از زندانیان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و برای تعداد دیگری از زندانیان پرونده سازی کردند، از جمله بهنام ابراهیم زاده که تا امروز چند بار ایشان را جهت محاکمه به دادگاه احضار کرده اند. در این راستا رضا شهابی را نیز از زندان اوین به زندان گوهر دشت تبعید کرده اند. رضا شهابی در مقابل این ظلم در تاریخ ۹۳/۳/۱۱ اقدام به اعتصاب غذا کرده و تا امروز همچنان اعتصاب این کارگر مبارز ادامه دارد.

ما اعضای کمیته دفاع از

نگاه هفته

فعالین کارگری مهلباد ضمن محکوم کردن تبعید رضا شهابی و حمله ماموران امنیتی به منزل کارگر مبارز بهنام ابراهیم زاده، از تمام انسانیهای انقلابی و تشکل های کارگری می خواهیم که به هر وسیله اعتراض خود را نسبت به این بی عدالتی مسئولان امنیتی در ایران ابراز دارند. ما اعضای کمیته دفاع از فعالین کارگری مهلباد رسماً اعلام خواهیم کرد که هر گونه عواقب ناخوشایند در مورد رضا شهابی به عهده مسئولان قضایی می باشد و همچنان اعلام خواهیم کرد که خودمان را برای هر گونه اعتراض آماده کرده و همراه خانواده این کارگر مبارز هستیم.

عدم پاسخگویی و کار شکنی کارفرمای شرکت سف سازی ون کردستان

بنا به گزارش رسیده کارگران شرکت ون طی نامه ای به کارفرمای خود خواهان تعیین نماینده از طرف کارگران، برای رسیدگی به مشکلات خود و معرفی به اداره کار شدند. در پی این درخواست کارفرما آنان را تهدید کرده است اگر این مسئله را پیگیری کنند سبب کالایی را که قرار است به عنوان کمک غیر نقدی به کارگران داده شود قطع خواهد کرد. در پی عدم پاسخگویی کارفرما، یکی از کارگران به نمایندگی از طرف دیگر کارگران برای پیگیری به اداره کار مراجعه کرده و اداره مربوطه به آنان قول داد که برای بازدید به محل کارخانه خواهند آمد. متأسفانه کارشناسان اداره در مراجعه به کارخانه به هیچ وجه به کارگران مراجعه نکرده اند و فقط با کارفرما ملاقاتی داشته اند.

تمام می شود ۶ نفر از ماموران لباس شخصی همسر و فرزند بهنام ابراهیم زاده را به گروگان می گیرند و همراه چند ماشین به خانه بهنام ابراهیم زاده حمله می کنند و کلیه وسایل منزل این کارگر زندانی را با خود حمل و آن را مصادره می کنند. ماموران امنیتی نیما ابراهیم زاده پسر بهنام را که ۱۵ سال سن دارد و تمام جهان از مریضی ایشان اطلاع دارند، تحت فشار قرار می دهند که مدارک پدرش از جمله فلاش هایش را تحویل آنان دهند.

قابل ذکر است که همراه ماموران فیلم بردار هم حضور داشت و از منزل بهنام فیلم برداری می کردند تا در میان مردم محله آنان را بی حرمت کنند. ماموران بعد از اینکه چند ساعت منزل بهنام را تفتیش و تخریب کردند ساعت ۴ منزل او را ترك کردند. در این بازرسی همسر و فرزند بهنام را تهدید کردند و آنان را تحت فشار قرار دادند که "هر کاری کردند به آن اعتراف کنند". ماموران بعد از بازرسی کلیه لوازم منزل آن کارگر زندانی کامپیوتر و وسایل جانبی آن و ماهواره آن خانواده را با خود بردند. همچنین کلیه مدارک شناسایی از جمله مدارک هویتی خانواده و کارت های بانکی و شماره حساب را ثبت و با خود برده اند. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن محکوم کردن این حرکت غیر انسانی ماموران امنیتی به خانواده بهنام ابراهیم زاده از جمله برخورد غیر انسانی با نیما ابراهیم زاده را محکوم و علیه کسانیکه حکم بازرسی منزل بهنام ابراهیم زاده را صادر کرده اند، شاکی و هر گونه عواقب بعدی برای نیما اتفاق بیفتد به عهده ماموران تفتیش کننده و مسئول صادر کننده حکم بازرسی به منزل بهنام ابراهیم زاده می داند.

ما اعضای کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده از تمام تشکل های کارگری و کارگران می خواهیم که در مقابل این یورش سکوت نکنند و از هر طریقی که برایشان میسر است اعتراض خود را طرح کنند.

هشتم تیر ماه ۱۳۹۳ کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

کارگران فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل اداره کار سندج زدند

بدنبال اعلام انحلال غیر قانونی شرکت فولاد زاگرس از سوی کارفرما و شکایت کارگران این شرکت به هیئت تشخیص اداره کار شهرستان قروه که با رای این هیئت بر علیه کارگران همراه بود آنان در اعتراض به این رای، شکایتی را در هیئت حل اختلاف اداره کار این شهرستان مطرح کردند اما با گذشت ۲۰ روز از رسیدگی به شکایت این کارگران در این هیئت، هنوز جوابی به آنان داده نشده است.

بنا بر اظهار کارگران این کارخانه هیئت حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه در همدستی با کارفرما در پی آن است تا با خرید زمان برای کارفرما فرصت لازم را جهت سند سازی غیر قانونی با هدف نهایی کردن انحلال کارخانه فراهم آورد. به همین دلیل صبح امروز نزدیک به یکصد نفر از

کارگران فولاد زاگرس با عزیمت به شهر سندج دست به تجمع اعتراضی در مقابل این نهاد زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع اعتراضی مسئولین اداره کار سندج طی نشستی با نماینده های کارگران، با اعلام اینکه از موضوع بی اطلاع هستند از کارگران تا آخر تیر ماه فرصت خواستند تا موضوع انحلال شرکت و اعتراض کارگران را مورد بررسی قرار بدهند. در این جلسه همچنین توافق شد تا کمیسیون کارگری برای بررسی شکایت کارگران با حضور نماینده های آنان برگزار شود.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۷ تیر ماه ۱۳۹۳



صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

کارگر زندانی
آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!